

تمدن ایران



و قدمت زیادی دارد؛ فرهنگ‌هایی مانند جوانمردی، مروت، فتوت و... دومین مسئله مهم بافت زبانی بود که هم سعی کردم با عزیزانی که ساکن این مناطق جنوبی بودند تمرین کنم و کارشناس لهجه که در این امر بسیار کمک کننده بودند و از همراهی بی دریغ‌شان تشکر می‌کنم.

۷۰ در صد این فیلم در فضای کروماکی بوده، این نوع از تجربه و مواجهه با نقش چه تجربه ویژه‌ای برای شما داشت؟

در رابطه با فضای کروماکی یا کار کردن با پرده سبز، قبلاً هم تجربیات محدودی در این زمینه داشتم مانند صحنه‌های داخل ماشین که در فضای استودیویی کار می‌شد و بعدتر تصاویر خیابان به آن اضافه می‌شد. بنابراین با این فضا آشنایی داشتم اما در این حجم نبود. بنده تا به حال دو فیلم کار کردم که بیشترین قسمت آنها در فضای استودیویی بود. کار کردن در این شرایط به چند دلیل سخت است. اول به دلیل فضا و دمای هوا در تابستان داخل استودیو و لوکیشن بسته همچنین تعداد آدم‌های زیاد و گهگاه افکت‌های دود و لباس‌های تاریخی که همه از مصائب کار بودند. مسئله دیگر اما بحث تخیل است یعنی تمام فضاهایی که بعداً قرار است توسط دوستان طراح اضافه شود، باید توسط خود بازیگر تخیل شود. در این باره تجربه حضور در صحنه تئاتر برای ساخت و ساز ذهنی به من کمک کرد که بتوانم این فضاها را با مشورت کارگردان و فیلمبردار بسازم اما مسئله یکی کردن آنها هم وجود داشت، چون این تخیل باید به صورت مشترک باشد و مختص به یک بازیگر نیست. در نهایت کارگردان و فیلمبردار می‌دانند که در تصویر نهایی چه اتفاقی قرار است بیفتد و باید آن را به صورت مشترک القا کنند من نیز با توجه به این توصیفات کار خود را سامان می‌دادم.

از همکاری با گروه کارگردانی و تولید «گوهر سیراف» بگویید؟

گروه بسیار همراه، پرانگیزه و با دانشی بودند. آقای تربتی و افراسیابی و سایر دوستان بسیار با انگیزه و مسلط حضور داشتند. امیدوارم که در آینده بودجه‌ای برای تولید این گونه آثار تزییق شود که برای این دوستان نیز کمک کننده باشد. چرا که در این زمینه تنها داشتن انگیزه کافی نیست و این مسیری است که سال‌ها تجربه، آزمایش خطا و تسلط را می‌طلبد. خوشبختانه آقای تربتی مانند دیگر دوستان از آن کارگردان‌هایی بود که در شاخه‌های مختلف مانند عکاسی و تدوین مسلط بودند.

هاشم علی اکبری، مدیر تولید:

مدیر تولید پدر گروه فیلمسازی است

هاشم علی اکبری مدیر تولیدی است که در آثاری به کارگردانی ابوذر پورمحمدی، حسین لطیفی، قاسم جعفری، حسین قناعت، احمد معظمی و... حضور داشته و عضو انجمن مدیران تولید ایران است.

ساخت «گوهر سیراف»، چه تفاوتی با سایر آثار برایتان داشت؟

این اثر اولین کار بلند سینمایی محمد تربتی بود. من در انتخاب و کستینگ بازیگران کنار کارگردان بودم. بیشتر فیلم در فضای استودیویی بود، حسن کار این بود که من با یک کارگردان جوان و منعطف همکاری داشتم که بر اساس دغدغه شخصی خود به میدان آمده بود و به عناصر سینمایی و تلافی آن با هنرهای دیگر مسلط بود به همین دلیل بخش فضا سازی برای انتقال حس رتال فیلم به خوبی پیش رفت. این اثر یک کار پر بازیگر و ترکیبی از هنرمندان و هنروران بود که رعایت لهجه نیز به سختی آن می‌افزود و این مسائل کار را برای مدیر تولید سخت‌تر می‌کرد.

پرچالش‌ترین موضوعی که یک مدیر تولید در عرصه ساخت یک اثر با آن مواجه است، چیست؟

اگر گروه فیلمسازی را همچون یک خانواده ببینیم مدیر تولید پدر گروه فیلمسازی است. گروهی که تیم اصلی آن به ۷۰ الی ۸۰ نفر می‌رسد و این در شرایطی است که سینما ذاتاً از هنرهای سخت این روزگار است و مدیر تولید باید با افراد مختلفی که هر کدام روحیه متفاوت و خاص به خود را دارند به زبان خودشان حرف بزند و محیط را برای همه گرم نگه دارد. بنابراین یک مدیر تولید باید یک روانشناس خوب باشد، تا بتواند در شرایط سخت همه را در کنار هم همدل و گرم نگه دارد. همچنین تراز کردن مدیریت مالی، انسانی و زمانی همه بر عهده این شخص است و جزو اولین کسانی است که به تیم فیلمسازی می‌پیوندد و هر چه سابقه بیشتری داشته باشد، افراد بیشتری را می‌شناسد و می‌تواند در گروه نقش مهم‌تری را ایفا کند و با پیشنهادات ویژه افراد متناسب‌تری را با توجه به رویکرد تیم تولید اضافه کند. خوشبختانه در فیلم «گوهر سیراف» این اتفاق افتاد و با یک گروه خوب و همدست این اثر ساخته شد.

یک سری ماکت‌ها و گروه جلوه‌های ویژه باز نمایی شد. برای من بسیار هیجان‌انگیز بود که به روزهای تولید برسیم و ببینم رویکرد آقای تربتی کارگردان اثر برای ساخت این اثر که مملو از صحنه‌های کشتی و... چیست. کل فیلم در تهران، در استودیو و دکور ضبط شد. به نظر من نیاز داریم به فیلم‌هایی که نمایانگر کاراکترها و ابر انسان‌هایی از دل تاریخ ایران هستند. اثری که بتواند تاریخ و تمدن ایران باستان، بندر سیراف و کسانی که در زمان خود قهرمان بودند را باز آفرینی کند. شهریار برای عشق و مام وطن دل به یک سفر ماجراجویی و پر مخاطره می‌زند. حیف است اگر این تمدن را نشانسیم.

در حال حاضر در چه پروژه‌های حضور دارید؟

دو سریال که به تازگی تمام شد و یک فیلم سینمایی به کارگردانی مهدی جعفری که در جشنواره فجر امسال اکران خواهد شد و سریالی به کارگردانی سیدعلی هاشمی که قرار است از شبکه نمایش خانگی پخش شود. همچنین یک اجرای تئاتر به کارگردانی مرتضی شاه کرم که در بهمن ماه در سالن ایرانشهر بر روی صحنه خواهد رفت.

علیرضا جلالی تبار، بازیگر: تخیل مشترک، از مهمترین

مولفه‌ها در کار بر روی پرده سبز است

با توجه به اینکه روایت فیلم در بستر زمانی حدوداً هزار سال پیش می‌گذرد و فیلم رتال است، جنس بازی خود را چگونه برای گویا کردن این بازه زمانی هدایت کردید؟

هزار سال پیش تقریباً هم دوره است با عصر فردوسی و محمود غزنوی. ما از آن دوره متون خوبی در خلال آثار هنرمندان آن دوره به خصوص فردوسی و دیگر شاعران داریم که آداب و رسوم آن دوره را می‌توان از آن جست. درباره فرهنگ و قومیت منطقه‌ای هم باید بگوییم، بندر سیراف از آداب و رسومی برخوردار بوده که در تاریخ ایران دوام

آموز ابدی باشم. تجربیات من در انواع مختلفی از ژانر و سبک‌ها اتفاق افتاده است، به این دلیل که انتخاب من در سینما بر اساس علاقه‌مندی به ژانر خاصی نیست و به دنبال هر چه تاثیر گذارتر بودن محتوا بر اساس دغدغه‌های انسانی هستم.

سهند جاهدی، بازیگر: گوهر سیراف، جذابترین

نقش‌پردازی من در عرصه تصویر است

از نقش‌پردازی خود در فیلم سینمایی «گوهر سیراف» بگویید؟

فیلم سینمایی «گوهر سیراف» اولین و جدی‌ترین تجربه من در فضای استودیویی و کروماکی بود. در ابتدا که با قصه فیلم و بستر زمانی آن مواجه شدم برایم بسیار جذاب بود. «گوهر سیراف» یک اثر بسیار عاشقانه و مهیج است که به نظر من جای خالی آن حس می‌شود. کاراکتر شهریار برای من یکی از جذاب‌ترین نقش‌هایی است که تا بحال بازی کردم و احساس من این بود که در بخش سینمایی هنر و تجربه اکران شود. این فیلم به صورت لو باجت ساخته شد و همه عوامل تلاش کردند تا با این امکانات بیشترین بهره‌وری را داشته باشند. بیشترین قسمتهای فیلم در کشتی می‌گذرد و انتقال حس معلق در کشتی از ویژه‌ترین تجربه‌های من در فیلم بود.

با توجه به اینکه بیشتر سکانس‌ها استودیویی فیلمبرداری شده فضا سازی‌هایی که کارگردان برای شما ایجاد کرد تا به باور پذیر نقش کمک کند، چه بود؟

فیلمبرداری در ۲۴ روز انجام شد. یک سری سکانس‌های داخلی داشتیم و یک سری خارجی، سکانس داخلی اکثر اوقات کور اجرا شد و فیلمبردار تکنیکی را ارائه کرده بود که احساس درون کشتی و اتاق ناخدا ایجاد شود. سکانس‌های خارجی که در استودیو بود، با کمک